



صفحه  
آخر



■ حضرت امیر المؤمنین علی:

همانا از زشمند ترین بی نیازی عقل است و بزرگ ترین فقر بی خردی است.

اذان ظهر: ۱۲:۰۹ ■ غروب آفتاب: ۱۹:۲۴  
اذان مغرب: ۱۹:۴۵ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۶  
اذان صبح فردا: ۴:۰۸ ■ طلوع آفتاب فردا: ۴:۵۳

■ پذیرش آگهی:

■ توزیع و اشتراک:  
موسسه نشر گستر امروزین

■ چاپ: مهری  
تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال فرشی، شماره ۱۴  
■ دبیرستان: ۱۹۶۶۶-۴۵۹۵۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۴  
■ تلفن: ۲۲۰۴۶۰۶۷، ۲۳۰۲۳۰۰۰، ۲۳۰۲۳۰۰۰

■ مهری: www.hamshahronline.ir  
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

زندگی پدیا

## روزی که هوا ایستاد

در چنین روزی هواپیمای مسافربری، هدف موشک شلیک شده از یک رزم ناو آمریکایی قرار گرفت



فاطمه عباسی

روز یکشنبه ۱۲ تیرماه ۱۳۶۷، ساعت ۱۰:۴۷ صبح، هواپیمای «ایریاس» جمهوری اسلامی ایران که باید مسیر تهران-بندرعباس-دوبی را طی می کرد، با فرمان برج مراقبت هوایی بندرعباس، از فرودگاه این شهر ساحلی برخاست. ۷ دقیقه بعد در حالیکه تقریباً یک چهارم مسیر کوتاه هوایی بندرعباس-دوبی پیموده شده بود، ۲ موشک سطح به هوای شلیک شده از یک ناو آمریکایی، هواپیما را منهدم کرد و ۴۹۰ مسافر و خدمه پرواز آن هواپیما جان خود را از دست دادند. شدت و خامت سانحه به حدی بود که تا ۲ روز، رسانه های بین المللی، در سرگیجه ای بی سابقه از اطلاعات متفاوت به سر می بردند. در این میان یک چیز کاملاً مشخص بود، هواپیمای مسافربری هدف موشک شلیک شده از یک رزم ناو آمریکایی قرار گرفته و همین موضوع به عنوان گناهی غیرقابل بخشش از سوی جهانیان مورد تأیید قرار گرفته بود. اما مهاجمان نیز برای خود بهانه های بسیار آوردند تا به نحوی بتوانند موضوع را تعدیل کنند.

هدف از اعزام ناو وینسنس به خلیج فارس، رهگیری و

انهدام موشک های زمین به دریای «کرم ابریشم» بود تا دیگر ناوهای مستقر در منطقه از آسیب احتمالی دور بمانند. آن روز گارد ساحلی عمان اعلام کرده بود که هیچ خطری احساس نمی شود، اما باین حال کاپیتان راجرز (فرمانده وینسنس) بر حرکت به سمت شمال یعنی به سمت ایران اصرار داشت. بعدها ایوتر، مفسر نظامی روزنامه شیکاگو تریبون نوشت: «در آن روز کاپیتان راجرز هیچ هدفی جز درگیری با ایرانی ها نداشت و در حال اجرای مانورهای تهدیدآمیزی بود تا زمینه را برای درگیر شدن با قایق های ایرانی به وجود آورد.» خود راجرز در مصاحبه های بعد از سقوط می گفت که «آن روز تحت فشار عصبی بودم و چاره ای جز شلیک نداشتم.» کاسپار واینبرگ، وزیر دفاع وقت آمریکا هم با ابراز نظری مشابه می گفت: «کمبود وقت از لحظه ای که هواپیما به عنوان هدف تهدید کننده شناسایی شد تا زمانی که خدمه باید تصمیم به شلیک می گرفتند، موجب شتابزدگی در اخذ تصمیم شد.» البته آمریکایی ها از این تصمیم «شتاب زده» خیلی هم پشیمان نبودند. آنها بعد از گذشت ۱۸ سال حاضر شدند غرامت بدهند، ولی هرگز عذرخواهی نکردند.

قصه شهر

## لک لک های امید



مریم ساحلی

لک لک های سفید سیمانی نشستند روی دیوار خانه ای که نمای آن هنوز رنگ نشده است. حیاط خانه پوشیده از ماسه است و معلوم نیست چه وقت دست با بال مرد خانه آنقدر باز می شود که بتواند، امور باقیمانده را به سرانجام برساند.

مرد لک لک ها را ۲ روز پس از اینکه اسباب کشیدند به این خانه، خرید و روی دیوار نزدیک به در کوچک آهنی نصب کرد. خانه مرد در حاشیه شهری است که شاید هیچ وقت پای هیچ لک لکی به آن نرسیده باشد. مرد که لک لک به دست به خانه آمد، هدف ابروهای همسرش از تعجب رفت سمت چین وسط پیشانی اش. زن ۴ خرج واجب تری که دارند را یاد مرد انداخت و بعد هم توی دلتش گفت، انگار، انگار که ۴۱ سال را پشت سر گذاشته!

هنوز بچه است. زن نمی داند که لک لک ها از بچگی های مرد پرکشیده اند و آمده اند تا میانسالی اش. زن نمی داند که تنها کتاب قصه ای که روزگاری مرد داشت و صداها بار ورق زده و خوانده بود، حکایت یک جفت لک لک بود که بر پام خانه توی داستان، آشیانه ساخته بودند. زن نمی داند که مرد سال هاست از جهان بچگی ها جدا شده ولی مهربی که بین لک لک ها و پسرک توی داستان جاری بود را از یاد نبرده است. پسری که از پدرش شنیده بود، لک لک ها از خیر و برکت و امید نشان دارند. زن خبر ندارد که بچگی های همسرش با حسرت لانه ساختن لک لک ها در حوالی خانه کوچک شان گذشته است. لک لک هایی که هرگز نیامده اند.

او از دل مرد خبر ندارد اما این روزها می بیند که بچه های همسایه وقتی نگاه شان می رود سمت لک لک ها، لبخند می زنند. و مرد هر بار که چشمش می افتد به لک لک ها، نگاهش روشن می شود و می رود سمت آسمان.

طرح مهری ایرانم غریب

## اول آخر

مسابقات فوتبالی بالونبال در شهرستان باغچه بهار در روزهای ۱۳ و ۱۴ تیرماه برگزار شد. مسابقات آن به منظور منظم طی چندین سال در روستای کیچگاه برگزار می شود.



بوک مارک

## یک اتفاق مسخره

فؤاد و داستایفسکی

او همچنان به افکار خود ادامه داد: «حتی به من احترام هم نمی گذارند. اصلاً به چه می خندند؟ آن قدر گستاخند که انگار بویی از احساس نبرده اند... بله، من از مدت ها پیش ظنین شده بودم که نسل جوان بی احساس است! باید به هر قیمتی شده بمانم و پایداری کنم. حالا که همشان دور یک میز جمع شده اند، می توانم شروع به حرف زدن کنم و از مسائل روز بگویم، از اصلاحات، از اعتلای روسیه... هنوز هم می توانم آن ها را میخواب خود کنم! بله! شاید هنوز چیزی از دست نرفته باشد... شاید حقیقت همیشه به همین شکل رخ می نماید. فقط از کجا شروع کنم که توچه شان جلب شود؟ باید چه شیوه ای در پیش بگیرم؟ پاک سرزد کنم بشدم، کاملاً سرزد کنم... و آن ها دنبال چه هستند؟ آن ها چه می خواهند؟ آن طرف دارند غش غش به چیزی می خندند... خدایا، نکنند دارند به من می خندند؟ اما من واقعا چه می خواهم؟ برای چه این جا هستم؟ چرا نمی روم؟ این جا مندم که به چه چیزی برسم؟»

دیالوگ

## مسیر سبز

من خسته ام رئیس!

فرانک دارابونت  
خسته از این راه مثل به پرستو که توی بارون باشه خسته از نداشتن رفیق خسته از این که نمی فهمم از کجا اومدم و قراره کجا برم! او از همه بیشتر از زشتی هایی که این مردم باهم انجام میدن خسته ام رئیس! از این همه درد و رنجی که توی این دنیاست خسته ام! انگار توی مغزم شیشه خورده ریخته باشن! می فهمی؟

## فراخوان

بی تعارف و تکلف مثل همین مستن کوتاهی که می بینید، ما منتظریم تا نوشته هایتان دربار مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه هایتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کاریکاتور طراحی هم هستید جایتان اینجا محفوظ است. متن با طرح نان که آماده شد یک نمانی با شماره ۲۲۰۲۳۶۴ بگيريد تا برای رساندنش به ما راهنمایی تان کنیم.



## تابستان در ماه و مسجد

تابستان که فرامی رسد یکی از مهم ترین دغدغه های والدین پر کردن اوقات فراغت کودکان و نوجوانان شان است؛ کودکانی که بعد از ۹ ماه تحصیل، حالا می خواهند حدود ۳ ماه را حسابی تفریح کنند. بنابراین ثبت نام در کلاس های مختلف آموزشی، هنری و ورزشی در فصل تابستان رونق می گیرد و مؤسسات و تشکل های مختلفی هم برای پر کردن اوقات فراغت کودکان در تابستان برنامه ریزی می کنند که یکی از آنها کانون های فرهنگی و هنری مساجد و همچنین پایگاه های هلال احمر هستند که امسال هم به کمک آموزش و پرورش آمده اند تا در سرگرم کردن و آموزش بچه ها سهیم باشند. این کانون ها با برنامه های متنوع و جذاب با رایگان خود اوقاتی خوش را برای بچه ها فراهم می کنند. تابستان امسال وزارت آموزش و پرورش نزدیک به ۲۰ هزار پایگاه تابستانی را برای اوقات فراغت دانش آموزان به صف کرده است و دانش آموزان می توانند تا پانزدهم تیرماه با مراجعه به سایت https://my.medu.ir و

تابستانه

ورود از درگاه دولت، در بخش نورنیو در پایگاه های تابستانی ثبت نام کنند. از حدود ۳۰ هزار پایگاه تابستانی، حدود ۱۰ هزار رشته پایگاه در کانون های فرهنگی و ورزشی آموزش و پرورش فعال خواهند بود و ۷۱ هزار آده و فعالند، علاوه بر این ۴۰ هزار رشته پایگاه در سازمان دانش آموزی، ۱۰ هزار رشته پایگاه در سالن های ورزشی و ۸ هزار و ۵۰۰ رشته پایگاه در پژوهش سراهای دانش آموزی آماده میزبانی از دانش آموزان هستند. اما درباره مشارکت مساجد در ایجاد اوقات فراغتی جذاب برای دانش آموزان هم باید بگوییم که ۸ هزار رشته پایگاه در کانون های پرورشی و فرهنگی مساجد فعال خواهند بود و ۳۶۶ پایگاه بسیج و ۲۴۹ پایگاه اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان و ۲۲۰ پایگاه پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۹۲ اردوگاه دانش آموزی، ۱۰۳ مدرسه غیردولتی و ۲۹ پایگاه هلال احمر هم برای میزبانی از دانش آموزان در نظر گرفته شده است. ضمن اینکه ۲۷۰۰ پایگاه مشاوره فعال در استان ها وجود دارند که ۵۰۰ مرکز مشاوره پایگاه تابستانی مهارت آموزی

جهان نما



## نجات از گرما بارنگ سفید

گرمای کشنده در هند، زندگی زاغه نشینان را در بخش هایی از این کشور به جهنم تبدیل کرده است اما یک ترفند ساده، آنها را به نجات از این جهنم امیدوار کرده است؛ رنگ کردن سقف خانه ها، بارنگ سفید. این ایده را یک سازمان کمک به فقرا به مردم زاغه نشین در شهرهایی مثل جودپور در ایالت راجستان آموزش داده است. دمای هوا در تابستان ها در این شهر، تا ۴۸ درجه سانتی گراد بالا می رود و خانه های بی بنیه و بدون تهویه را به جهنم تبدیل می کند. پیش بینی می شود که امسال، موج های گرما شدید تر از سال گذشته باشند. علاوه بر این روش، استفاده از انواع گیاه در سقف ها و دیوارها هم می تواند به خنک شدن خانه ها در تابستان های وحشتناک هند کمک کند، اما همه از پس تامین هزینه های آن بر نمی آیند. رنگ کردن سقف خانه ها، روشی آسان و البته ارزان است و حتی تهی دستان در زاغه ها هم می توانند از پس آن بر بیایند.

دمای هوا در تابستان ها در یکی از شهرهای هند تا ۴۸ درجه سانتی گراد بالا می رود و خانه های بی بنیه و بدون تهویه را به جهنم تبدیل می کند

خوش خبر

## وام برای سربازان ماهر

خبر خوب امروز برای سربازانی است که در طول دوره سربازی علاوه بر کارهایی که موظف به انجامش بودند، یک مهارت هم یاد گرفته اند. آنطور که مشاور عالی قرارگاه مهارت آموزی سربازان ستاد کل نیروهای مسلح گفته، قرار است آن دسته از سربازان ماهر که در طول دوران خدمت خود مهارت های فراگرفته و گواهی مهارت آموزی نیز دریافت کرده اند، وام خوداشتغالی دریافت کنند. درواقع سربازانی که قصد دارند برای بعد از خدمت خود اشتغال مناسبی داشته باشند، می توانند دوره های مهارت آموزی را در زمان خدمت طی کنند و تسهیلات اشتغال زایی هم در راستای حمایت از آنها پرداخت می شود. مبلغ این تسهیلات هم حداکثر ۱۵۰ میلیون تومان به سربازان منتقضی خدمتی که تاریخ ترخیص آنان کمتر از ششال باشد، است. خلاصه اگر کسی در حال انجام خدمت سربازی است و در کاری هم مهارت کسب کرده، بهتر است هرچه زودتر برای گرفتن این وام ثبت نام کند.

## اندیشه رضوی؛ کاغذ مهربانی

مدیر کل دفتر آموزش دوره اول متوسطه وزارت آموزش و پرورش خبر داده که قرار است طرحی با عنوان «اندیشه رضوی؛ کاغذ مهربانی» در مدارس کشور اجرا شود که طبق آن در ازای کتاب درسی و دفاتر مشق دانش آموزان، رایانه به مدارس اهدا شود. این طرح در راستای مشارکت پذیری دانش آموزان در فعالیت های اجتماعی و مسئولیت پذیری آنها برنامه ریزی شده و دفاع مشق شان از کتاب های درسی و دفاتر مشق استفاده شده دوباره به چرخه استفاده برمی گردد و مورد بهره برداری قرار می گیرد. قرار هم شده که بچه ها تا موقع تحویل کارنامه، البته به صورت اختیاری کتاب های درسی و دفاتر مشق شان را تحویل مدرسه بدهند. مدیر کل دفتر آموزش دوره اول متوسطه وزارت آموزش و پرورش گفته: دبیرخانه این طرح در مشهد مقدس است و این طرح نیز از اندیشه های امام (رضاع) گرفته شده است. هماهنگی با منابع طبیعی شهرداری و سازمان پسماند، مقرر شده که کتاب ها و دفاتر مشق را دریافت کنند و به ازای آن، رایانه به مدارس بدهند تا مدارس دارای سایت رایانه شوند.

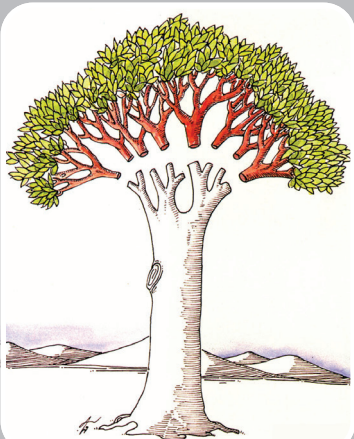
شهروند خوب



خنک شو

احتمالاً تجربه کرده اید که تابستان ها ایستادن توی ایستگاه اتوبوس و منتظر ماندن چه عذاب است و گرما چقدر می تواند آزاردهنده باشد. حالا فکرش را بکنید که در این شرایط، جایی باشد که هم خنک باشد و هم آب خنک و گوارا داشته باشد و بتوانید تمام مدتی که در انتظار آمدن اتوبوس هستید به جای ایستگاه اتوبوس، در این جای خنک بگذرانید. اول خیابان مطهری تهران یک مغازه لوازم التحریر فروشی است که در داخل ایستگاه اتوبوس روبه روی فروشگاه این نوشته را چسباند است: «سلام! اگر اجانا گرمونه برای اینک گرمازه نشین می تونین تو مغازه ما منتظر اتوبوس باشین. کولر روشن و آب خنک هم داریم.» آدم یاد دین این نوشته، نه تنها از اینکه مجبور نیست زیر تیغ آفتاب بماند، بلکه از این همه انسانیت و مهربانی کیفور می شود.

آخر مصور



■ اثر مسعود مهرابی